

بررسی میزان تأثیر اسباب متعدد در ورود زیان و جبران خسارت

آرمان صادقی زاده^۱

کارشناسی ارشد، حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرمی اردبیل

چکیده

مقاله حاضر حکم مساله ای از مسئولیت مدنی را مورد بررسی و تحلیل قرار می دهد که در آن فرد یا افرادی، مسبب یا میاشر باعث اعمالی می شوند که بر اثر انجام آن اعمال به شخص دیگری (ثالث) زیانی وارد می نمایند، ولی میزان خسارت وارد توسط هر یک (عامل) برای مشخص نیست که هر عامل چه میزان خسارت به زیان دیده وارد نموده اند، اما اگر اسباب متعددی در ایجاد زیان دخالت داشته باشند تعیین سبب مسئول از میان اسباب مذکور و چگونگی توزیع مسئولیت بین آنها بسیار دشوار و پیچیده است. فقها و حقوقدانان قوانین موضوعه و رویه قضایی نیز در برخورد با این قضیه راه حل های متفاوتی ارائه داده اند. این تعدد راه حل ها و اتخاذ ملاک های مختلف از طرف قانونگذار به جای اینکه به حل مشکل کمک کند، خود معضل مضاعفی شده است به نحوی که دادگاهها نمی دانند که به کدام معیار و ضابطه قانونی عمل نمایند. علاوه بر آن در فرض خاص، مشکل حادث می شود و آن وقتی است که اسباب متعددی که در یک حادثه زیانبار دخیل بوده، با فرض متعارف بودن همه آنها، در تعیین میزان تأثیر هر کدام از آنها دچار مشکل می شویم. به عبارت دیگر در میزان تأثیر هر یک از اسباب دخیل در حادثه اجمال وجود دارد که در این تحقیق دنبال راه حل و جوابی برای این مساله از بین قوانین و قواعد و مقررات حقوقی می باشیم.

واژگان کلیدی: فرض ابهام، اسباب، خسارت زیانبار، سبب

^۱ نویسنده مسئول. arman.sadeghi1357@gmail.com

تحقیقات و موضوعات صورت گرفته در حوزه ی اسباب مجمل و مسئولیت ناشی از سبب یا اسباب مجمل است. در همین راستا آن چیزی که در این مقاله ها و تحقیقات مسئولیت در ابهام و در فرض اجمال اسباب بیان شده احراز مسئولیت را بسیار دشوار دانسته اند، برخی در این فرض به علت عدم اثبات رابطه سببیت بین ضرر وارد شده و فعل شخص معین، به عدم مسئولیت قائل شده اند که عادلانه به نظر نمی رسد، اما در اینجا فرض بر این است که رابطه سببیت وجود دارد و در نتیجه مسئولیت اثبات پذیر بوده و تنها مسئله مورد توجه این است که افعال زیان آور به طور همزمان محقق شده به گونه ای که استناد ضرر به هریک از اشخاص محتمل است. لذا با اثبات مسئولیت، در زمینه جبران خسارت روش های مختلفی پیشنهاد شده است؛ برخی تخییر قاضی در انتخاب مسئول را پذیرفته اند، برخی قائل به مسئولیت بیت المال درباره پرداخت خسارت شده اند، برخی نیز معتقدند برای تعیین مسئول نهایی باید از طریق قرعه اقدام کرد. گروه دیگری بیان کرده اند که با استناد به قاعده عدل و انصاف، می توان مسئولیت را بین همه افراد، توزیع و تسهیم کرد. از نظر قوانین موضوعه تکلیف قضیه به صراحت بیان نشده، اما تحلیل موضوع و وجود برخی زمینه ها در رابطه با سبب مجمل در قانون مجازات اسلامی (مواد ۴۷۷ و ۴۷۹) و امکان تسری این مباحث به مسئولیت مدنی سبب مجمل نشان می دهد که تساوی مسئولیت عاملین زیان با اندیشه حمایت از زیان دیده و عدالت توزیعی ضرر، تناسب بیشتری دارد.

هدف مقاله حاضر بر بررسی میزان تاثیر اسباب متعدد در ورود زیان و جبران خسارت می باشد که موضوعاتی نزدیک به آن پرداخته شده است مانند مسئولیت سبب مجمل در یک حادثه، موضوع انتخابی اینجانب با موضوع مذکور تفاوت دارد، اما همان گونه که گفته شد فرض بحث ما حالتی است که ما در میزان تاثیر اسباب متعدد ورود زیان اجمال و ابهام داریم و اگر بتوان با نظر کارشناس یا هر دلیل دیگری میزان خسارات را برآورد نمود دیگر اجمالی وجود ندارد تا موضوع بحث ما قرار گیرد. بنابراین در این گفتار ضمن بررسی مفهوم اجمال در میزان تاثیر اسباب، اهمیت رفع اجمال یا تعیین تکلیف در خصوص میزان مسئولیت در این فرض و همچنین عوامل ایجاد زیان بیان می گردد.

روش تحقیق

این تحقیق، تحقیقی است که در آن صرفاً از روش کتابخانه ای استفاده گردیده است، روش کتابخانه ای در حوزه روش تحقیق توصیفی قرار دارد که در مقاله حاضر منابع دست اول و دست دوم چاپی و الکترونیکی در حوزه موضوع مورد بررسی و استفاده قرار گرفته است..

مبانی نظری

از آنجا که فرض ما در جایی است که بیش از یک عامل در ایجاد ضرر دخالت داشته باشند، مسئولیت قراردادی از بحث ما خارج می شود زیرا در قراردادها عامل ایجاد ضرر، نقض تعهد قراردادی است که البته ممکن است توسط چند نفر بوجود آمده باشد، اما عرف آنها را در حکم یک طرف قرارداد می داند و نقض قرارداد را عامل واحد ایجاد خسارت می شمارد. بنابراین قلمرو موضوع ما محدوده مسئولیت مدنی به معنای خاص است در اجتماع مباشرین ابتدائاً دو فرض متصور است: اجتماع طولی و عرضی مقصود از اجتماع طولی مباشرین، دخالت افراد مختلف در تولید ضرر است بصورت مستقیم و در زمانهای مختلف که با مدافه در مثالهای این فرض مشخص می گردد اگرچه در نظر اول عاملان، همه مستقیماً و به صورت مباشرت در ضرر دخیل بوده اند اما فعل مباشر اول نسبت به عمل مباشر دوم، سبب محسوب می شود و در حقیقت زمینه ساز مباشر دوم خواهد بود. بنابراین مسأله از مصادیق اجتماع سبب و مباشر خواهد بود و لذا اجتماع طولی مباشرین مصداق

خارجی ندارد. اما در اجتماع عرضی مباشرین وجود دو شرط ضروری است: یکی اینکه تأثیر فعل مباشرین به کمک هم، تقارن زمانی داشته باشد و دیگر اینکه نتیجه زیانبار در دید عرف، قابل انتساب به همه آنها باشد؛ در اینصورت باید حکم آن و نحوه تقسیم مسئولیت را تعیین نمود. در مواد قانونی از اجتماع مباشرین نامی برده نشده و لذا با توجه به سکوت قانون و به استناد اصل ۱۶۱ قانون اساسی باید به منابع فقهی و فتاوی معتبر رجوع کنیم. در منابع فقهی به طور خاص به اجتماع مباشرین پرداخته نشده و حکم آن را، همان حکم اجتماع اسباب در حالت عرضی و یا در حالتی که با هم مساوی اند دانسته اند که تقسیم مسئولیت به طور مساوی بین اسباب می باشد. از طرفی گاه تعدد مباشرین به صورت اشتراکی است و گاه با تاثیر جداگانه بنابراین در این مقاله ما تعدد مباشرین و انواع آن مورد بررسی قرار می دهیم. گاهی ممکن است دو یا چند شخص مشترکاً فعل واحدی را انجام دهند که بلاواسطه منجر به حادثه زیانبار گردد علاوه بر این در بعضی موارد دو شخص بعنوان مباشر هر یک فعلی انجام می دهند که به علت ترکیب و اشتراک دو فعل مذکور با یکدیگر، حادثه زیان بار تحقق می یابد. در این حالت که تمامی عوامل به نحو مادی، مستقیم و مملوس در ورود ضرر دخالت دارند، به نظر می رسد تعیین سبب مسئول مشکل زیادی را ایجاد نمی کند و تمامی عوامل مدخل در ورود زیان مسئولیت جبران زیان وارد شده را تقبل می نماید. اما مواردی پیش می آید که دادگاه بعد از احراز این امر که تمام عوامل به نحو مستقیم در ورود ضرر مداخله داشته اند، در نحوه جبران ضرر و مسئولیت بین افراد دخیل در ضرر دچار شک و تردید می شود. از جمله مواقعی که چنین تردیدی به وجود می آید هنگامی است که در میزان تاثیر هر یک از مباشرین اجمال وجود دارد برای مثال، سه نفر ماشینی را از بالای تپه به پایین واژگون می کنند، این سه نفر عبارتند از: یک پیرمرد ۱۵ ساله و یک جوان ۳۵ ساله و یک پسر بچه یک ساله. مساله زمانی پیچیده تر می شود که در صورت عدم دخالت هر یک از افراد مذکور امکان واژگونی اتومبیل وجود نداشت. در این صورت است که از یک طرف با توجه به این مطلب باید تمام عوامل به نحو تضامنی مسئول جبران خسارت قرار گیرند و از سوی دیگر منطق حقوقی پذیرای این امر نیست که توان فیزیکی پسر بچه یک ساله برابر توان جوان ۳۵ ساله باشد. بنابراین عاقلانه به نظر نمی رسد که هر دوی اینها به یک میزان مسئول شناخته شوند. در بین حقوقدانان نیز در این خصوص اختلاف به چشم می خورد. بعضی هر یک از اشخاصی را که با شرکت یکدیگر علت توجه ضرر بوده اند، متضامناً مسئول جبران خسارت می دانند. ولی به نظر می رسد این نظر ایرادات زیادی دارد، چون از نظر قضایی مسئولیت تضامنی بر خلاف قاعده و محتاج به نص صریح قانونی است و چون قانونی در این رابطه وجود ندارد بنابراین پیروی از آن جایز نیست. وانگهی از نظر اصولی نیز قابل حمایت نمی باشد مگر اینکه مطابق نظریه کارشناس بگوییم که فعالیت هر یک جزء اخیر علت تامه (یعنی فعالیت دسته جمعی است در حقیقت آن جزء اخیر، علت موجد و مسئول خسارت وارده می باشد. بنابراین هر یک به نوبه خود، جزء اخیر علت تامه قرار می گیرد و بالمآل همگی مسئول خسارت وارده می باشند البته در مقابل نیز طرفداران مسئولیت تضامنی در این فرض به این ایراد این طور پاسخ داده اند که می توان از ماده ۱۴ قانون مسئولیت مدنی وحدت ملاک گرفت و استنباط نمود که تمامی اشخاصی که مجتمعاً به وسیله فعالیت مستقیم خود مرتکب عمل خلافی شده اند که موجب زیان دیگری شده حتی در موردی که میزان تاثیر هر یک نیز دقیقاً مشخص نمی باشد متضامناً مسئول جبران خسارات در مقابل متضرر می باشد. اما میزان مسئولیت هر یک از آنها در مقابل یکدیگر با توجه به مداخله او در ایجاد خسارت از طرف دادگاه تعیین می شود. ماده ۱۴ فوق الذکر اگر چه در ارتباط با کارگرانی است که کارفرمایان آنها مشمول قانون کار هستند ولی چون حکم تضامنی بر مبنای فعالیت چند نفر در ایجاد امر واحد است نه بر مبنای شمول قانون کار نسبت به کارفرمایان، می توان حکم ماده را در تمامی موارد مشابه سرایت داد عده ای دیگر از حقوقدانان قائل به این نظر می باشند، از آنجایی که حادثه زیان بار ناشی از اجتماع مباشرین متعدد می باشد و با توجه به اینکه هر کدام به نسبت مساوی در حادثه نقش دارند بنابراین به نسبت مساوی مسئول می باشند. البته این در حالتی است که دو یا چند عامل، موجب زیان یا خسارت واحدی بشوند که در واقع زیان بار

"به صورت مستقل" مداخله نداشته باشند بلکه دخالت آنها به صورت اشتراکی باشد که قاعداً در این صورت است که مسئولیت آنها اشتراکی و بالسویه خواهد بود. از قبیل موردی که چند نفر به صورت اشتراکی مالی را تلف نمایند. بنابراین صرف نظر از میزان تاثیر هر یک از آن عوامل دخیل در ورود زیان وقتی چند نفر مباشر باشند که عمل منسوب به همه آنها باشد و همه آنها فاعل تلقی شوند ضمان به نسبت مساوی بین آنها تقسیم می شود: هرگاه دو نفر در اتلاف چیزی به نحو مباشرت و یا به تسبیب شرکت داشته باشند مثلاً اینکه دو نفر دیگری را با شمشیر به قتل برسانند یا دو نفر چاهی حفر نمایند که دیگری در آن بیفتد و بمیرد، هر دو در ضمان مشترک هستند هرچند به عنوان مثال یک نفر دو متر چاه حفر کند و مباشر دیگر سه متر چاه او را عمیق تر نماید، زیرا اتلاف بر مجموع مرکب از فعل دو نفر صدق می کند و بنابراین ضمان بین دو نفر توزیع و تقسیم می شود در این مورد می توان مثال های متعددی آورد از جمله هرگاه چند نفر مشترکاً اقدام به رها نمودن شیء ای نمایند که بلاواسطه منجر به ورود خسارت به دیگری می شود. همچنین در صورتی که دو وسیله نقلیه در حال حرکت که به مسیر یکدیگر تجاوز و سپس با یکدیگر برخورد نموده اند در این صورت نیز هر دو بعنوان مباشرین اشتراکی مسئولیت جبران خسارت را به طور تساوی به عهده دارند به نظر می رسد نظر این عده که قائل به مسئولیت به تساوی هستند با منطبق حقوقی سازگاری بیشتری داشته باشد و مسئولیت تضامنی در این گونه موارد منتفی به نظر می رسد زیرا حادثه زیان بار از اجتماع و اشتراک فعل آنها ایجاد شده و نمی توان حادثه را به نحو مستقل به هر یک انتساب داد. مطابق ماده ۲۵۱ قانون معاملات کشور امارات عربی و ماده ۲۶۵ قانون مدنی کشور اردن وقتی مسئولین فعل زیانبار متعدد باشند هر یک از آنها به نسبت نصیب و تاثیرشان مسئول می باشند ولی قاضی اختیار دارد که حکم به تساوی یا تضامن یا تکافل بین آنها تعهد به حاضر نمودن مسئول اصلی در غیر اینصورت پرداخت خسارت دهد. هرگاه دو یا چند مباشر هر کدام با انجام فعلی، موجب خسارتی جداگانه به زیان دیده ای واحد شوند می بایست بدانیم نحوه مسئولیت به چه شکل خواهد بود؟ مشکل در جایی است که نمی دانیم تاثیر هر کدام از افعال مباشرین به چه اندازه است. در این مورد ممکن است بین دو حادثه بار تقدم و تاخر زمانی وجود داشته باشد و گاهی ممکن است دو شخص هم زمان به دیگری دو خسارت جداگانه وارد نمایند، به این معنی که در مورد اول شخصی فعلی انجام می دهد که بلاواسطه منجر به خسارت زیان دیده می شود. سپس شخصی دیگر با انجام فعلی دیگر، بلاواسطه موجب خسارت دیگری به زیان دیده می شود. به عنوان مثال وسیله نقلیه ای با عابری یا وسیله نقلیه دیگری برخورد نموده و نامبرده را در مسیر عبور دیگران در محلی که قابل دید و رویت باشد قرار می دهد و سپس وسیله نقلیه بعدی به عنوان مباشر نیز موجب خسارت دیگری به زیان دیده می گردد در این صورت دو وسیله نقلیه که با زیان دیده برخورد نموده اند، هر کدام به عنوان مباشر که طی حوادث جداگانه ای به زیان دیده خسارتی وارد نموده اند تلقی و هر یک ضامن خسارت ناشی از عمل خود خواهد بود. در مورد دوم هر چند بین دو حادثه تقدم و تاخر زمانی وجود ندارد، ولی حوادث واقع شده جدای از یکدیگر بوده و ارتباطی با هم ندارند. به عنوان مثال اگر دو شخص هم زمان دو ضربه جداگانه به دیگری وارد نمایند که ضربه هر یک باعث آسیب های جداگانه ای به زیان دیده می شود، نمونه ای از تفکیک مسئولیت دو مباشر با تاثیر جداگانه در ماده ۲۱ قانون مجازات اسلامی مورد توجه قانونگذار قرار گرفته است این ماده مقرر می دارد: "هرگاه جراحتی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار دهد و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد." گاهی در اجتماع دو مباشر با تاثیر جداگانه، هر چند اصولاً هر یک از مباشرین مسئول جبران خسارتی است که خود وارد نموده اند، ولی در بعضی موارد به دلیل اینکه هر یک از مباشرین خسارتی را به زیان دیده وارد نموده اند با یکدیگر ترکیب شده و قابل تفکیک نمی باشد، باید هر دو را به طور تساوی مسئول دانست به عنوان مثال اگر وسیله نقلیه الف در تقاطعی متوقف شده، سپس وسیله نقلیه ب از عقب به نامبرده برخورد و خسارتی وارد نموده و پس از آن وسیله نقلیه ج نیز با برخورد به وسیله نقلیه ب آنرا مجدداً به عقب وسیله الف بکوبد و خسارت قبلی را تشدید نماید در این صورت به علت اینکه میزان

خسارتی را که هریک وارد نموده اند مشخص نمی باشد و در واقع با فرض اجمال در میزان تاثیر روبرو هستیم بنابراین هر دو به طور تساوی مسئول جبران خسارت می باشند.

مثال دیگر، اگر شخصی به دیگری ضربه ای وارد نماید که باعث تشدید خسارت قبلی شود، در این صورت با توجه به اینکه میزان خسارتی که هر یک وارد نموده اند، مشخص نمی باشد به ناگزیر باید هر دو را به تساوی مشمول جبران خسارت زیان دیده دانست همچنین اگر فردی قسمتی از دست شخصی را مجروح کند به گونه ای که در اثر جراحات فوق، دست زیان دیده قطع گردد به طوری که جنایت مستند به فعل همه ی مداخله کنندگان باشد در این صورت همه آنها در جبران خسارت شریک خواهند بود در حقوق لبنان در صورتی که حادثه زیان بار ناشی از اشتراک چند عامل باشد در صورتی که تعیین میزان خسارتی که هر یک وارد نموده اند غیر ممکن باشد، در این صورت مسئولیت آنها تضامنی خواهد بود. اجتماع سبب و مباشر ممکن است به صوت یکی از اشکال زیر تحقق یابد: سبب و مباشر اشتراکی، سبب و مباشر به نحو مستقل و سبب و مباشر با تاثیر جداگانه. البته باید گفت که قسمت سوم یعنی سبب و مباشر با تاثیر جداگانه در واقع بین سبب و مباشر اصلاً اجتماعی وجود ندارد تا در بحث اجتماع اسباب و مباشر قرار گیرد، ولی به منظور تبیین و تفاوت آن با سبب و مباشر اشتراکی مسامحتاً در اعداد اجتماع آورده شده است در بعضی از منابع آمده، چنانچه شخصی بر روی گندم دیگری آب بریزد و خسارت ایجاد کند، سپس تکرار این کار توسط شخص دیگری انجام شود و سبب افزایش خسارت گردد نامبرده ضامن قیمت روزی است که مجدداً آب بر روی گندم ها ریخته است. یعنی شخصی که ابتدا آب ریخته بعنوان مباشر باعث خسارتی شده و شخص دوم که مجدداً این اقدام را تکرار نموده به عنوان مباشر دیگری ضامن خسارتی که مباشر قبلی وارد نموده نمی باشد. هر گاه حادثه زیان بار از اشتراک دو فعل یکی تحت عنوان سبب و دیگری مباشر ایجاد شود، اصطلاحاً سبب و مباشر اشتراکی نامیده می شود. در این حادثه زیان بار ناشی از اجتماع فعل شخصی به عنوان مباشر و فعل یا ترک فعل دیگری به عنوان سبب می باشد. که فعل مباشر بلاواسطه و فعل یا ترک فعل مسبب با واسطه در حادثه زیان بار دخالت داشته است ولی حادثه زیان بار از ترکیب این دو ایجاد شده است مانند اینکه کسی چاهی می کند و دیگری مثلاً عابری را در داخل چاه می اندازد. مباشر شخصی است که عابر را داخل چاه انداخته و سبب یا مسبب کسی است که چاه را حفر نموده است. در خصوص چگونگی و نحوه مسئولیت در این فرض می بایست به مبنای قانونی اجتماع سبب و مباشر بصورت اشتراکی یعنی ماده ۳۳۲ قانون مدنی توجه نمود که مقرر می دارد: "هر گاه یک نفر سبب مالی را ایجاد کند و دیگری مباشر تلف شدن آن مال بشود، مباشر مسئول است نه مسبب مگر اینکه سبب اقوی باشد به نحوی که عرفاً اتلاف مستند به او باشد." یا ماده ۳۶۳ قانون مجازات اسلامی سابق که مقرر می داشت: "در صورت اجتماع سبب و مباشر در جنایت، مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد." البته در حال حاضر با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید مصوب ۱۳۵۲ و با عنایت به ماده ۵۲۶ آن قانون هر گاه دو یا چند عامل برخی به تسبیب و برخی دیگر مباشرتاً در وقوع جنایتی تاثیر داشته باشند عاملی که جنایت مستند به اوست ضامن است و چنان چه جنایت مستند به تمام آنها باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر میزان تاثیر هر یک متفاوت باشد که در این حالت بر اساس میزان تاثیرشان مسئول می باشند بنابراین با توجه به این ماده می توان اجتماع سبب و مباشر اشتراکی را در سه حالت تصور نمود: اول حالتی است که نقش مباشر بیشتر از سبب باشد یعنی تاثیر مباشر در حادثه زیان بار بیشتر از سبب باشد. در این حالت تردیدی در تحمیل مسئولیتبه مباشر وجود ندارد. مثلاً فرض کنید شخصی چاهی می کند (سبب) و دیگری عابری را درون چاه می اندازد (مباشر) در حالی که حادثه برای او قابل اجتناب است. دوم حالتی است که سبب و مباشر هر دو نقش یکسانی داشته باشند. تساوی سبب و مباشر وقتی محقق می شود که عرفاً هر دو حادثه زیانبار تاثیر یکسانی داشته باشند. در این صورت نیز با توجه به ماده ۳۳۲ قانون مدنی مباشر مسئول است. به عنوان

مثال، وسیله نقلیه ای در معبری که فاقد خط کشی و علائم رانندگی است به وسیله نقلیه ی دیگری که در حال حرکت است برخورد می نماید، در این صورت وسیله ی نقلیه ای به دیگری برخورد نموده، مباشر و وسیله ی نقلیه ی که با آن برخورد شده به عنوان سبب محسوب می گردد با توجه به اینکه به علت نبودن علائم راهنمایی و رانندگی نمی توان نقش یکی از دو وسیله نقلیه را در حادثه بیشتر از دیگری دانست، بنابراین در این مورد سبب و مباشر دارای نقش یکسانی هستند البته عده ای از حقوقدانان معتقدند در جایی که سبب و مباشر نقش یکسانی داشته باشند دارای مسئولیت یکسانی نیز خواهند بود یا به تعبیر بعضی دیگر با توجه به اینکه ملاک در این موارد، رابطه عرفی است و در مواردی خسارت به هر دو طرف استناد دارد، اشتراک در ضمان معقول تر می باشد برخی از فقها نیز شرکت هر دو در ضمان را ترجیح داده اند بعضی حکم را به داوری عرف واگذار کرده اند و بعضی این فرض را محال دانسته اند، یعنی امکان تساوی سبب و مباشر را مردود دانسته اند، بلکه همواره مباشر را قوی تر می دانند و در اجتماع سبب و مباشر در صورت تساوی آن دو در حادثه یا قویتر بودن مباشر، نامبرده را مسئول می دانند. اما با توجه به ماده ۵۲۶ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۵۲ اگر جنایت مستند به تمام عوامل من جمله مسبب و مباشر باشد به طور مساوی ضامن می باشند مگر در صورتی که میزان تاثیر هر یک مشخص باشد که در این صورت بر اساس میزان تاثیر هر عامل مسئولیت دارد. حالت سوم نقش سبب بیشتر از مباشر است که با توجه به اینکه در این صورت تاثیر سبب در حادثه زیان بار بیشتر از مباشر است و به عبارت دیگر حادثه به سبب، انتساب عرفی دارد بنابراین سبب مسئول جبران خسارت وارده خواهد بود. مانند جایی که مباشر فاقد تمییز و تشخیص باشد یا وقتی که سبب به گونه ای عمل نموده باشد که اراده مباشر را جهت اجتناب از حادثه سلب نماید یا اینکه سبب مباشر را مغرور نموده باشد و وقتی که سبب مباشر را تحت اکراه قرار دهد و مباشر مکره به فتح را واقع شود.

بند ۱ و ۲ ماده ۲۶۵ قانون مدنی واحد عربی نیز بیان می نماید: "در صورت اجتماع مباشر و سبب، مباشر مسئول است مگر اینکه سبب نسبت به مسئولیت اولی از مباشر باشد. سبب، نسبت به مسئولیت در موارد زیر اولی از مباشر می باشد، وقتی که مباشر مبتنی بر سبب باشد یا سبب، مباشر را مغرور نموده یا موجب اکراه او شود یا سبب دارای سوء قصد باشد و یا مباشر از مسئولیت متعذر باشد یا سبب از نظر تاثیر شدیدتر و قوی تر از مباشر باشد." سوالی که ممکن است پیش آید این است که اگر ما از میزان تاثیر سبب و مباشر اطلاعی نداشتیم یا نتوانیم میزان تاثیر هر یک را تخمین بزنیم مسئولیت چگونه خواهد بود؟ در جواب باید گفت در این صورت نیز به نظر می رسد مباشر مسئول باشد و سبب صرفاً در صورتی که اقوی باشد، مسئول است بنابراین در کلیه فروض اجتماع سبب و مباشر بصورت اشتراکی اصل بر مسئولیت مباشر است مگر اینکه استثنائاً سبب قوی تر باشد. به عبارت دیگر در صورتی که ما در میزان تاثیر هر یک از سبب و مباشر اجمال داشته باشیم با توجه به اصل مسئولیت مباشر باید مسئولیت را به مباشر تحمیل نمود بنابراین مسئولیت مباشر به عنوان اصل بر مسئولیت سبب به عنوان استثناء ترجیح دارد اگر شخصی به عنوان سبب با انجام فعل یا ترک فعلی زمینه ساز فعل زیان بار دیگری به عنوان مباشر باشد یا شخصی مباشر حادثه زیان بار است و دیگری نیز نسبت به همان حادثه به دلیل ترک وظیفه علت عرفی مستقل حادثه زیان بار خواهد بود، به عبارت دیگر اگر دو شخص به عنوان سبب و مباشر به صورت مستقل از یکدیگر موجب بروز یک حادثه زیان بار بشوند از آنجایی که حادثه به هر یک به طور مستقل انتساب دارد، هر دو دارای مسئولیت تضامنی خواهند بود بعنوان مثال اگر شخصی مسئولیت نگهداری از مالی را داشته باشد و در انجام وظیفه خود کوتاهی و قصور نماید و در همین حین شخص دیگری مال را تلف کندف زیان دیده می تواند به هر کدام که بخواهد مراجعه نماید و در این فرض مسئولیت نامبردگان تضامنی می باشد. به تعبیر دیگر مدلول ماده ۳۳۲ قانون مدنی مانع از آن نمی شود که اگر انتساب اضرار به هر دو عرفاً صحیح باشد هر دو در برابر این اتلاف، متضامناً مسئول باشند.

بحث و نتیجه گیری

به لحاظ تحلیلی و با توجه به اهداف متفاوت مسئولیت مدنی و جزایی، تقسیم خسارت در مورد زیان ناشی از چند سبب (تا قبل از تصویب قانون جدید مجازات اسلامی)، باید به صورت مساوی می بود و معیار مربوط به درصد تقصیر، با قواعد مسئولیت مدنی سازگار نبود؛ اما با اینکه در موادی از قانون مجازات اسلامی سابق از تساوی در پرداخت خسارت یاد شده بود و رای وحدت رویه شماره ۷۱۷-۶/۲/۹۰ نیز این موضوع را روشن کرده بود و هیچ خصوصیتی در مورد حادثه رانندگی نیست، باز هم رویه قضایی به صراط مستقیم برگشته و دیده یا شنیده شده بود که هنوز معیار درجات تقصیر را در برخی موارد اعمال می کردند. بنابراین و به طریق اولی در مواردی که چند سبب باعث ورود خسارتی می شدند که میزان آن قابل تعیین و تشخیص نبود تساوی مسئولیت منطقی ترین قاعده بود. به عقیده برخی دیگر در جایی که عوامل متعددی در یک حادثه زیان بار نقش دارند ولی میزان نقش و تاثیر آنها قابل تعیین نباشد ابتدا می بایست چگونگی دخالت عوامل را در حادثه تعیین نمود. اگر حادثه ناشی از اجتماع عوامل متعدد مانند اجتماع چند سبب یا مباشر به نحو مستقل باشد در این صورت با توجه به اینکه حادثه زیان بار به هر کدام از آنها انتساب دارد همه اسباب دخیل دارای مسئولیت تضامنی می باشند ولی اگر حادثه ناشی از اجتماع عوامل متعدد به نحو مستقل نباشد بلکه به صورت اشتراکی باشد ولی میزان تاثیر هر یک مشخص نباشد مطابق با نظر مشهور فقها و حقوقدانان و با در نظر گرفتن ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق می بایست قائل به مسئولیت بالسویه در مقابل زیان دیده بود و در خصوص اینکه عده ای قائل به این نظر هستند که اگر میزان تاثیر هر یک از اسباب دخیل در حادثه مشخص باشد باز هم باید قائل به مسئولیت مساوی اسباب شد باید گفته شود که حکم ماده ۳۶۵ قانون مذکور حکمی امری و قاطع نبود تا نتوان با اثبات تعیین دقیق میزان تاثیر به نسبت میزان تاثیر سبب را مسئول دانست و با مشاهده در مثال هایی که فقها در باب تساوی مسئولیت زده اند غالباً مواردی هستند که تعیین سهم تاثیر و مداخله هر سبب در وقوع زیان وجود ندارد و لذا فقها بر مبنای ظاهر فرض را بر تاثیر مساوی اسباب گذاشته و قائل به تساوی اسباب در این فرض شده اند. بنابراین از آنجایی که گفتیم ظاهر در تساوی است این مدعی خلاف ظاهر است که باید ثابت نماید میزان تاثیر اسباب در ایجاد زیان مساوی نیست و با اثبات این موضوع و تعیین دقیق میزان تاثیر به نظر می رسد مسئولیت می بایست بر اساس میزان تاثیر مشخص گردد. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با در نظر گرفتن مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ آن قضا به حد زیادی روشن گردید. چنان که در مواد مذکور برای توزیع خسارت از معیار "میزان تاثیر طرفین" سخن می گوید که قابل انطباق با درصد تقصیر نمی باشد. البته در این قانون نیز با توجه به صدر ماده ۵۲۶ که صراحتاً مقرر داشته در صورتی که حادثه مستند به تمام عوامل باشد، مسئولیت مساوی خواهد بود، مگر میزان تاثیر هر عامل مشخص باشد که در این صورت هر عامل به مقدار تاثیر عمل خود مسئول است، خود نشان دهنده ی این مطلب است، در صورتی که میزان تاثیر هر عامل مشخص نباشد و در میزان تاثیر آن اجمال وجود داشته باشد باید قائل به مسئولیت بالسویه بود. در رابطه بین خود اسباب زیان نیز اگر قائل به مسئولیت تضامنی بین زیان دیده و عاملین زیان باشیم، مثلاً در جایی که تعدد به نحو مستقل باشد با جبران کل خسارت به وسیله یکی از اسباب ضامن، جبران کننده می تواند به طور مساوی به سایر عوامل دخیل مراجعه کند زیرا در جایی که تعدد به نحو مستقل باشد هر یک از عوامل صد در صد در وقوع حادثه نقش دارد و همانگونه که گفته شد حادثه بالاستقلال به وی نسبت دارد و از آنجایی که خسارت به طور کامل به هر یک از عوامل انتساب دارد با جبران خسارت توسط یکی از عاملین، حق دارد که برای دریافت مازاد سهم خود به نسبت مساوی به سایر اسباب رجوع نماید. حال اگر قائل به مسئولیت به تساوی بین اسباب زیان در مقابل متضرر باشیم دیگر تفکیک بین این دو رابطه یعنی اسباب زیان و زیان دیده و رابطه بین خود اسباب زیان، موضوعیت نخواهد داشت، چون همانطور که گفته شد منظور از مسئولیت به تساوی این است که اسباب حادثه زیان بار به طور غیر تضامنی در مقابل زیان دیده مسئول جبران خسارت او هستند بنابراین حق رجوع و مراجعه

بعدهی قابل تصور نمی باشد زیرا فرض و ظاهر بر تساوی در تاثیر هر سبب می باشد در جایی که عوامل متعددی در یک حادثه زیان بار نقش دارند ولی میزان نقش و تاثیر آنها قابل تعیین نباشد ابتدا می بایست چگونگی دخالت عوامل را در حادثه تعیین نمود. اگر حادثه ناشی از اجتماع عوامل متعدد مانند اجتماع چند سبب یا مباشر به نحو مستقل باشد. در این صورت با توجه به اینکه حادثه زیان بار به هر کدام از آنها انتساب دارد همه اسباب دخیل دارای مسئولیت تضامنی می باشند ولی اگر حادثه ناشی از اجتماع عوامل متعدد به نحو مستقل نباشد بلکه به صورت اشتراکی باشد ولی میزان تاثیر هر یک مشخص نباشد مطابق با نظر مشهور فقها و حقوقدانان و با در نظر گرفتن ماده ۳۶۵ قانون مجازات اسلامی سابق می بایست قائل به مسئولیت بالسویه در مقابل زیان دیده بود. و در خصوص اینکه عده ای قائل به این نظر هستند که اگر میزان تاثیر هر یک از اسباب دخیل در حادثه مشخص باشد باز هم باید قائل به مسئولیت مساوی اسباب شد باید گفته شود که حکم ماده ۳۶۵ قانون مذکور حکمی امری و قاطع نبود تا نتوان با اثبات تعیین دقیق میزان تاثیر به نسبت میزان تاثیر سبب را مسئول دانست و با مشاهده در مثال هایی که فقها در باب تساوی مسئولیت زده اند غالباً مواردی هستند که تعیین سهم تاثیر و مداخله هر سبب در وقوع زیان وجود ندارد و لذا فقها بر مبنای ظاهر فرض را بر تاثیر مساوی اسباب گذاشته و قائل به تساوی اسباب در این فرض شده اند. بنابراین از آنجایی که ظاهر در تساوی است این مدعی خلاف ظاهر است که باید ثابت نماید میزان تاثیر اسباب در ایجاد زیان مساوی نیست و با اثبات این موضوع و تعیین دقیق میزان تاثیر به نظر می رسد مسئولیت می بایست بر اساس میزان تاثیر مشخص گردد. اما با تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و با در نظر گرفتن مواد ۵۲۶ و ۵۲۷ آن قضایه تا حد زیادی روشن گردید. چنان که در مواد مذکور برای توزیع خسارت از معیار "میزان تاثیر طرفین" سخن می گوید که قابل انطباق با درصد تقصیر نمی باشد. البته در این قانون نیز با توجه به صدر ماده ۵۲۶ که صراحتاً مقرر داشته در صورتی که حادثه مستند به تمام عوامل باشد، مسئولیت مساوی خواهد بود، مگر میزان تاثیر هر عامل مشخص باشد که در این صورت هر عامل به مقدار تاثیر عمل خود مسئول است، خود نشان دهنده ی این مطلب است، در صورتی که میزان تاثیر هر عامل مشخص نباشد و در میزان تاثیر آن اجمال وجود داشته باشد باید قائل به مسئولیت بالسویه بود. در رابطه بین خود اسباب زیان نیز اگر قائل به مسئولیت تضامنی بین زیان دیده و عاملین زیان باشیم، مثلاً در جایی که تعدد به نحو مستقل باشد با جبران کل خسارت به وسیله یکی از اسباب ضامن، جبران کننده می تواند به طور مساوی به سایر عوامل دخیل مراجعه کند زیرا در جایی که تعدد به نحو مستقل باشد هر یک از عوامل صد در صد در وقوع حادثه نقش دارد و همانگونه که گفته شد حادثه بالاستقلال به وی نسبت دارد و از آنجایی که خسارت به طور کامل به هر یک از عوامل انتساب دارد با جبران خسارت توسط یکی از عاملین حق دارد که برای دریافت مازاد سهم خود به نسبت مساوی به سایر اسباب رجوع نماید.

منابع

- امیری قائم مقامی، عبدالمجید، حقوق تعهدات، جلد اول، چاپ اول، تهران، نشر میزان
 بازگیر، ید الله، قانون مدنی در آئینه آراء دیوان عالی کشور
 تاج میری، امیر تیمور، حقوق مدنی، ۴، چاپ اول، تهران، نشر آفرینه
 جعفری لنگرودی، محمد جعفر، الفارق (دائرة المعارف عمومی حقوق)، ۱۳۸۶، جلد اول، گنج دانش
 حسینی نژاد، حسنقلی، مسئولیت مدنی، ۱۳۷۷، جلد اول، تهران، چاپ مجد
 سید میر عبدالفتاح الحسینی المرآعی، عناوین ضمان، ترجمه و تحقیق دکتر محمد جواد شایعت باقری، چاپ اول، نشر میزان
 کرمی، محمد باقر، مجموعه استفتائات فقهی و نظریات اداره حقوقی راجع به قتل، ۱۳۷۷، چاپ اول، تهران، نشر فردوسی
 کاتوزیان، ناصر، الزامهای خارج از قرارداد، ضمان قهری، ۱۳۷۴، جلد اول، مسئولیت مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

کاتوزیان، ناصر، مسئولیت ناشی از عیب تولید، ۱۳۸۲، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران
نجیب حسنی، محمود، رابطه سببیت در حقوق کیفری، چاپ اول، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۳۸۵
جعفری لنگرودی، محمد جعفر، مجموعه محشی قانون مدنی، ص ۲۵۸
مذاکرات و آراء هیات عمومی دیوان عالی کشور، ج ۳، چاپ اول، اداره وحدت رویه و نشر مذاکرات هیات عمومی دیوان عالی
کشور، تهران، ۱۳۷۸